

## جنگ خانمانسوز حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین قطع باید گردد؟!

بهرام رحمانی  
bamdadpress@ownit.nu

در این دنیای غریب، جان انسان ارزش خود را از دست می دهد و همه چیز در سلطه قدرت، پول، تجارت، سیاست بازی، دیپلماسی و حتا جنگ و کشتار در می آید. در ماه های پایانی سال ۲۰۰۸، بحران سرمایه داری جهان را فراگرفت. سرمایه داران و نهادها و دولت های آن ها بسیج شدند تا این بحران خود را با بی کارسازی های وسیع کارگران و کارمندان و اعطای میلیاردها دلار توسط دولت ها از جیب مالیات دهندگان پشت سر بگذارند. در حالی که این بی کارسازی های وسیع و تحمیل بی حقوقی های رنگارنگ به ویژه کرانی و تورم برای اکثریت ساکنان کره زمین کمرشکن است در روزهای پایانی سال گذشته، خبر حمله هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی اسرائیل به مردم نوار غزه، جهان را دچار شوک کرد و خنده و شادی جشن های آخر سال را از لبان هر فرد انسان دوستی ربود.

دولت اسرائیل، بیش از نیم قرن است که با حمایت و پشتیبانی همه جانبه اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی دولت آمریکا، نه تنها فلسطین را اشغال کرده و مردم این منطقه را همواره کشتار و به کوچ اجباری وادار می کند، بلکه هر از چند گاهی لبنان را نیز مورد تاخت و تاز نظامی خود قرار می دهد. از نظر دولت آمریکا، همه جنایات حکومت اسرائیل بر علیه مردم بی گناه و بی پناه اسرائیل، از جمله حمله وحشیانه اخیر به غزه مشروع است.

دولت های متمدن سرمایه داری پیشرفته و نهادهای آن ها، به ویژه سازمان ملل متحد، نظاره گر قتل عام مردم نوار غزه توسط ارتش اسرائیل هستند. رسانه های بین المللی بورژوازی واقعیت ها از مردم مخفی نکه می دارند و یا گزارشات ارتش جنایت کار اسرائیل را با آب و تاب مخایره می کنند. اقدامات غیرموتور و صرفا حرفی و کاغذی دولت ها و عنوان هایی که این رسانه ها می گزینند واقعا شرم جهان متمدن را به نمایش می گذارند. آن ها، بی شرمانه کشتار زنان، کودکان و ویران کردن خانه های مردم، مدارس، بیمارستان ها، محیط های کاری، منابع آب و برق را چندان انعکاس نمی دهند. از سوی دیگر، هیچ رسانه مستقل و آزاد نیز با امکان رفتن به این مناطق جنگی را ندارد و یا این که از ورود آن ها به این منطقه توسط نیروهای اسرائیلی جلوگیری می شود. در این میان، گزارش یک پزشک بدون مرز نروژی بسیار تکان دهنده است.

براساس گزارشات خبرگزاری های بین المللی، نیروی هوایی و زمینی و حتا تکاوران دریایی اسرائیل، به وحشیانه ترین شکلی غزه را ویران می کنند و مردم بی گناه این منطقه را به خاک و خون می کشند. اما مناسفانه هنوز در مقابل این حکومت اشغال گر و سرکوبگر اسرائیل، دولت های به اصطلاح «دمکرات و مدافع حقوق بشر» و نهادهای بین المللی، به ویژه سازمان ملل و اتحادیه اروپا، تنها به انتشار بیانه هایی بر روی کاغذ بسنده کرده اند و هیچ اقدام موثری که جلو این جنگ ویرانگر حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین را بگیرد انجام نداده اند.

حملات تازه حکومت اسرائیل، هشت روز پس از پایان آتش بسی شش ماهه روز شنبه ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸، در حالی آغاز شد که نیروی هوایی آن فرارگاه های حماس و هدف های دیگری را در غزه بمباران کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، جنگنده های اسرائیلی هم زمان دست کم به ۲۰ هدف جداگانه نیز در شهر غزه حمله کردند. آسوشیتدپرس، گزارش کرده است بسیاری از مراکز و فرارگاه های حماس در مناطق مسکونی غزه قرار دارند و حملات روز شنبه زمانی صورت گرفته است که دانش آموزان در حال ترک مدارس بوده اند. خبرنگاری که ساکن غزه است و نخواست نامش فاش شود به سی.ان.ان، گفته است که حمله روز شنبه اسرائیل مهم ترین حمله به غزه طی چند دهه گذشته بوده است.

در اولین روز حملات هواپیماهای بمب افکن و هلی کوپترهای اسرائیلی به مناطقی در غزه، دست کم ۲۲۹ کشته و ۷۰۰ زخمی برحای گذاشت. در پی این حملات وحشیانه اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل گفت، عملیات آغاز شده در غزه احتمالا زمان خواهد برد. وی، هم چنین اعلام کرد که ۲۱۰ هدف مربوط به حماس در دو روز گذشته بمباران شده است. در همین زمینه یک مقام بلندپایه نظامی اسرائیل به خبرگزاری رویترز گفته است حملات روز شنبه «مرحله آغازین» سلسله عملیاتی است که احتمالا شامل عملیات نیروهای زمینی و محاصره غزه نیز خواهد بود. اسرائیل از سال ۲۰۰۷، که حماس با بیرون راندن گروه رقیب خود، فتح، کنترل غزه را به دست گرفت، این منطقه را به محاصره در آورده است. کمبود سوخت، غذا و دارو از جمله مشکلاتی است که مردم غزه در پی این محاصره با آن دست و پنجه نرم می کنند. ریاض منصور، نماینده فلسطینی در سازمان ملل گفته است که هیچ توجیه ای وجود ندارد که یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از اهالی غزه برای عملکرد تعداد معدودی مجازات شوند.

لازم به یادآوری است که قبل از این نیز ارتش اسرائیل، از ۲۷ فوریه تا ۲ مارس ۲۰۰۸، با حمله گسترده نظامی به نوار غزه موسوم به عملیات «زمستان داغ»، ۱۱۷ فلسطینی از جمله ۲۳ کودک را به قتل رساندند. از میان جان باختگان هفت کودک نوزاد زیر شش ماه بودند. در این حمله هم چنین ۲۰۰ نفر مجروح شدند که بالغ بر ۵۰ نفر آنان کودک بودند.

بر اساس گزارشات خبرگزاری ها، در اثر این حملات (۲۷ فوریه ۲۰۰۸ تا ۲ مارس ۲۰۰۸)، دست کم ۱۰۱ کودک فلسطینی کشته شد که ۸۷ درصد آنان توسط نظامیان اسرائیلی و ۱۲ درصد نیز به علت ادامه جنگ داخلی بین گروه های مسلح فلسطینی و یا به علت استفاده نادرست از سلاح و مواد منفجره به قتل رسیدند. در طول این مدت هم چنین ۴۵۰ کودک فلسطینی به دست نظامیان اسرائیلی مجروح شدند.

گزارش جنبش جهانی دفاع از کودکان، هم چنین حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۸، صدها کودک فلسطینی به دست اشغالگران اسرائیلی بازداشت شدند.

بر پایه این گزارش، ۲۹۷ کودک اسیر هم چنان در بند زندان های حکومت شغالگر اسرائیل، به اتهام ضربه زدن به امنیت اسرائیل از جمله پرتاب سنگ به طرف دیوار حایل به سر می برند که شش نفر از این کودکان دختر هستند.

محاصره نوار غزه توسط حکومت اسرائیل، تاکنون آثار ویرانگری برای نوار غزه به دنبال داشته است، به طوری که هم اکنون ۸۵ درصد ساکنان نوار غزه به کمک های غذایی وابسته هستند و نرخ فقر و بی کاری به شدت افزایش یافته است که همه این مشکلات و فجایع انسانی سازمان یافته در درازمدت آثار بسیار ناگواری را بر کودکان و به طور کل جامعه فلسطین خواهد گذاشت.

بدین ترتیب، ارتش اسرائیل از روز شنبه ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ - ۷ دی ۱۳۸۷، عملیاتی به نام «سرب مذاب» را ظاهراً در پاسخ به حملات موشکی حماس به مناطق اسرائیلی آغاز کرد که در هفتمین روز از بمباران های هوایی، نیروهای زمینی نیز با توپ و تانک وارد غزه شدند.

در پایان دوازدهمین روز از حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه، گزارش ها حاکی از تهاجم وحشیانه سربازان اسرائیلی به منازل مردم غزه است.

حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه، در حالی دوازدهمین روز خود را پشت سر گذاشت که هر لحظه در اثر حملات تانک ها، هواپیماهای جنگی و... بر شمار قربانیان افزوده می شود و سازمان های امدادرسانی نیز نسبت به بروز فاجعه انسانی در این منطقه هشدار داده اند.

بر اساس گزارش منابع خبری فلسطینی، در حملات زمینی و هوایی روز دوشنبه ارتش اسرائیل به نوار غزه ۳۰ تن از جمله شماری کودک جانیشان را از دست داده و ده ها تن زخمی شده اند و به این ترتیب به گزارش مسئولان امور پزشکی در مناطق فلسطینی، در طی عملیات نظامی اسرائیل در این ۱۲ روز، بیش از ۶۶۰ نفر از مردم غزه جان خود را از دست داده اند که نیمی از آن ها را کودکان و زنان تشکیل می دهند و هم چنین ۲۲۰۰ نفر نیز زخمی شدند. سازمان ملل می گوید که یک سوم کشته شدگان غیرنظامی بوده اند.

مقامات اسرائیلی اعلام کردند که «سه سرباز اسرائیلی نیز روز دوشنبه بر اثر شلیک اشتباهی یک تانک اسرائیلی کشته شدند» و به این ترتیب شمار سربازان کشته شده اسرائیلی به هشت نفر رسید. هم زمان با ادامه حملات، کمیته بین المللی صلیب سرخ و دیگر نهادهای امدادرسانی نسبت به بروز فاجعه انسانی در نوار غزه هشدار داده و اعلام کردند که مردم این منطقه به شدت به غذا و دارو نیاز دارند.

اما روز دوشنبه ۵ ژانویه، یک پزشک نروژی یک پیامک با تلفن ارسال کرد که در آن نوشته شده بود: «مرگ، خون و آمپوتاسیون، قطع دست و پا، اطراف ما را فراگرفته است... تعداد زیادی کودک... زن های حامله... من هرگز چیزی به این وحشتناکی ندیده ام.» (پیامک پزشک نروژی: مرگ، خون، قطع و دست و پا... سایت روشنگری)

این پزشک مانس گیلبرت نام دارد و ۶۱ ساله است و متخصص رشته بیهوشی است. او و یک جراح نروژی به نام اریک فوسه که هر دو پرفسور هستند با یک سازمان امداد به نام NORWAC کار می کنند. این دو شب قبل از تحویل سال نو، همراه چهار پزشک مصری خود را به غزه رسانده بودند. از آن جا که مانس گیلبرت نخستین شاهد غربی است که برخلاف خبرنگاران رسانه ها می تواند مستقیماً مشاهدات خود را بازگو کند، بلافاصله رسانه های متعدد با او تماس گرفته و مشاهدات او از شبکه های متعدد از سی ان ان، اسکای نیوز، سی بی اس، بی بی سی گرفته تا پرس تی وی حکومت ایران و در نشریاتی مثل ایندپیندنت و نیویورک تایمز منعکس شد.

مشاهدات گیلبرت به شدت تکان دهنده است. او می گوید آماری که از قربانیان غیرنظامی می دهند به هیچ وجه حقیقت ندارد و ۵۰ درصد بیماران او را فقط کودکان و زنان تشکیل می دهند. او در مصاحبه تلفنی با یک روزنامه سوئدی گفت، نخستین چیزی که هنگام ورود به بیمارستان الشفا با آن روبرو شدم، جسد یک همکار مرده بود. او گفت: «این دکتر با آمبولانس برای نجات مجروح رفته بود که هدف حمله فرار گرفت. هم او و هم بهیار همراه او کشته شدند.»

بیمارستان الشفا که قبلاً مخصوص مداوای بیماران فوری بود اکنون تماماً به درمان مجروحان اختصاص یافته است. پزشکان تحت شرایط دشواری کار می کنند. شیشه ها شکسته، برق گاه به گاه وصل می شود. دارو، وسیله و پرسنل به شدت ناکافی است. او گفت توصیف وضعیت بسیار دشوار است. ما کنار تخت عمل ایستاده ایم و سعی می کنیم جان بیمار را نجات دهیم که برق می رود. این یک وضعیت دائمی است.

به گفته گیلبرت اوضاع بدتر و بدتر می شود: «مردم روی دست ما می میرند. امروز (سه شنبه ۶ ژانویه) ۱۰۰ مجروح داشتیم. بسیاری از آن ها بیجه بودند و یکی زن حامله.» به گفته او هرچه او و همکارانش تلاش می کنند زندگی ها را نجات دهند، اما توپخانه ها و بمب ها کار می کنند و تعداد مجروحین افزایش می یابد. برای تخت های عمل صف هست. برخی را روی کف زمین عمل می کنند. او می گوید مجبور شده اند در برخی موارد بدون استفاده از داروی بی حسی اندام ها را قطع کنند.

گیلبرت، هم چنین می گوید اسرائیلی ها از نوعی سلاح به نام Explosive.DIME veryDense Inert Metal استفاده می کنند که بیش از ۱۰ متر نمی رود، زود ناپدید می شود ولی وقتی به بدن اصابت می کند، امواج پر قدرت آن بدن را تکه تکه می کند.

قبلاً پزشکان بیمارستان الشفا به شبکه الجزیره گفته بودند نمی دانند اسرائیل از چه سلاح هایی استفاده می کند که آن ها مجبورند این همه دست و پا قطع کنند.

به گفته گیلبرت، در دو روز اخیر وضع بسیار وخیم تر شده است. هر حمله تعداد بیش تری مجروح برجا می گذارد و جراحات آن ها وخیم تر است...

روز سه شنبه نیروهای اسرائیلی به منطقه ای که بیمارستان در آن قرار دارد نزدیک شدند. معلوم نیست جان پرسنل پزشکی در امان بماند...

در گزارش دیگری به نقل از دکتر گیلبرت، آمده است: دکتر مانس گیلبرت با اشاره به تجربه های پیشین خود گفته است که به مدت ۲۵ سال در مناطق جنگی زیادی خدمت کرده است اما وضعیتی که اکنون مشاهده کرده، «دردناک تر» از تجربه های پیشین اوست.

دکتر گیلبرت، در واکنش به سخنان وزیر خارجه اسرائیل، گفته است: «از خانم تسبیبی لیونی که می گوید، تنگنای تجهیزات و دارو وجود ندارد، دعوت می کنم که به الشفا بیاید و با چشمان خود فاجعه را ببیند.»

از سوی دیگر «پزشکان مدافع حقوق انسان» چهارشنبه اعلام کردند که در فاصله روزهای سی و یکم دسامبر تا چهارم ژانویه، شش نفر از اعضای تیم های پزشکی هنگامی که در حال انتقال زخمی ها بودند، جان خود را از دست داده اند و سی نفر از امدادگران پزشکی نیز زخمی شده اند.

بر اساس گزارشات، از میان ۵۶ درمانگاه در چهار شهر اصلی و سایر مناطق باریکه غزه، تنها سه واحد فعالند، و بقیه به دلیل مقررات منع آمد و شد و تنگناهای شدید دیگر، تعطیل هستند.

روز سه شنبه ۷ ژانویه ۲۰۰۹، حکومت اسرائیل علی رغم قول قبلی، به هیچ خبرنگاری اجازه ورود به غزه را نداد. به این ترتیب گزارشات کلیه رسانه ها بر اخباری که ساکنین بومی و طرف های درگیر می فرستند استوار است.

روز سه شنبه، اسرائیل به یک مدرسه سازمان ملل که ۴۰۰ فلسطینی در آن پناه گرفته بودند حمله کرد. در این حمله بنا بر گزارش های مختلف ۴۰ تا ۴۵ نفر کشته شده اند. این سومین مدرسه سازمان ملل بود که در روز سه شنبه نیروهای اسرائیلی به آن حمله کردند. مدرسه ها به پناهگاه مردم تبدیل شده اند.

دیپلرک سازمان ملل متحد، بان کی مون، به شدت به اسرائیل حمله کرد و بمباران مدارس متعلق به سازمان ملل را در نوار غزه محکوم کرد.

روز سه شنبه گاردین، گزارشی همراه با تصاویر پدری در کنار اجساد سه فرزند خردسالش را منتشر کرد. این مرد که اتفاقا با حماس هم مخالف بود گفت سربازان اسرائیلی به خانه های ما آمدند و همه خانه ها را تخلیه کردند. ما همه به زیر زمین یک ساختمان رفتیم که توپخانه اسرائیل از دور شلیک کرد، من یکی از فرزندانم را بغل کردم که به بیرون بروم. وقتی به پهلویم نگاه کردم مادرم، دو پسر عموم و سه فرزند دیگرم را دیدم. همه آن ها مرده بودند...

درگیری ها در شهر غزه در حالی ادامه دارد که هیاتی از اتحادیه اروپا مرکب از نمایندگان فرانسه، جمهوری چک و سوئد که به ترتیب ریاست پیشین، کنونی و آتی اتحادیه اروپا را بر عهده دارند، به منطقه سفر کرده اند تا در جهت برقراری آتش بس در منطقه تلاش کنند.

وزیر خارجه اسرائیل، روز دوشنبه پس از مذاکره با نمایندگان اتحادیه اروپا، در سخنانی که در آن حماس مورد اشاره قرار گرفته بود، گفت که کنشورش هر گز «با ترور به توافق نخواهد رسید.» طنز تاریخ این است که وزیر امور خارجه دولتی که بیش از ۵ دهه است به تروریسم دولتی روی آورده است و سرزمین های مردم فلسطین را با جنگ و ترور و وحشت اشغال کرده است دم از تروریسم حماس می زند؟ اساسا حماس و جهاد اسلامی، دست پخت حکومت اسرائیل در مقابل گرایش چپ مردم فلسطین بود که پس از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران، این توازن قوا به هم خورد و قبیله همه گروه های اسلامی تروریست به سوی حکومت اسلامی ایران شد.

تلاش های دیپلماتیک تاکنونی نه تنها هیچ نتیجه ای نداده است، بلکه ارتش اسرائیل نیز هم چنان به کشتار خود ادامه می دهد. زیرا مقامات دولت اشغالگر و جنگ طلب اسرائیل می دانند که در هر شرایطی، هم چنان مورد حمایت دولت آمریکا و بسیاری از دولت های اروپایی هستند و دولت های عربی منطقه نیز عکس العمل جدی از خود نشان نمی دهند.

گفته می شود هدف اسرائیل، در حال حاضر ابتدا ایجاد پایگاه هایی در سه محور غزه است و در مرحله بعد ورود به مراکز تجمع نیروهای حماس به خصوص در اردوگاه ها است.

حمله اسرائیل به نوار غزه از یک سو، به حکومت های جنایت کاری هم چون حکومت اسلامی و گروه های اسلامی تروریست فرصت نمایش قدرت سیاسی دوباره داده است و از سوی دیگر، نیروهای الفتح و به ویژه محمود عباس، رئیس خودکمران فلسطین را در موقعیت دشواری قرار داده است.

حکومت اسلامی ایران، از آغاز حمله اسرائیل به نوار غزه، تبلیغات گسترده ای را در دفاع از حماس راه انداخته است. اما بخش اعظم این تبلیغات جنبه داخلی دارد تا بین المللی و تاثیرگذار بر مساله غزه. حکومت اسلامی و رسانه های آن، به بهانه حمایت از حماس، جناح های رقیب را نیز تهدید می کنند. چرا که این جناح ها خود را برای مضحکه انتخابات ریاست جمهوری آماده می کنند، چنین تبلیغاتی به ویژه برای جناح «محافظه کار» حکومت ضروری است. گروه های حزب الهی و بسیج و سپاه در خیابان ها راه افتاده اند و قبل از این که این نمایش قدرت آن ها تاثیری در وقایع نوار غزه داشته باشد مستقیما رعب و وحشت آفریدن در جامعه ایران با هدف مرعوب کردن اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری صورت می گیرد. بعلاوه مهم تر از همه موقعیت امروزی رقابت های بورژوازی در سطح بین المللی و انزوای دیپلماتیک حکومت اسلامی، میدان عمل واقعی برای کمک بیش تر به حماس را بسته است؛ به ویژه اکنون که جنگ تمام عیار اسرائیل علیه حماس در جریان است رساندن کمک های مادی به این سازمان اسلامی توسط حکومت اسلامی ایران، از جمله سلاح، کاری بس سخت و تقریبا غیرممکن است.

مجلس شورای اسلامی با مصوبه ای دولت را ملزم به حمایت همه جانبه از مردم فلسطین کرده است. این هم موضع احمدی نژاد را در مقابل جناح های دیگر فوی تر می کند. اما این حکومت، به دلیل این که خودش در سطح بین المللی منزوی است همان طور که در بالا تاکید کردیم حکومت اسلامی در شرایط موجود به معنای واقعی اگر هم بخواهد نمی تواند به حماس کمک فوری برساند. این را سران حکومت اسلامی نیز بهتر می دانند از این رو، تحرک آن ها و ترس شان از این است که هر چه پیش تر در سطح جهانی منزوی شوند، حمله به حماس، به نوعی حمله به حکومت اسلامی نیز محسوب می شود، سران این حکومت را نگران کرده است. چرا که پشت جبهه حکومت اسلامی در مناقشه و رقابت های خاورمیانه ضعیف تر شود.

تاریخ حکومت اسرائیل، تاریخ تروریسم دولتی است. حکومت های اشغالگر اسرائیلی، از ۶۰ سال پیش با حمایت و پشتیبانی همه جانبه ابرقدرت هایی هم چون آمریکا و بریتانیا، همواره به تجاوز خود در سرزمین های فلسطینی و کشتار مردم ادامه داده و به زور آن ها را از خانه و کارشان شان رانده است.

بعد از جنگ جهانی اول و در جریان قرارداد صلح، فلسطین که به اشغال انگلستان در آمده بود، طی ۲۰ سال جمعیت «یهودی» را که در آن زمان تنها یک درصد جمعیت ساکن منطقه بود، به ۱۲ برابر افزایش داده شد. در این دوره، سیاست «صهیونیستی» با حمایت دولت انگلستان، از طریق خرید زمین، نفوذ خود را در سرزمین های فلسطینی گسترش می داد.

در سال ۱۹۴۸، قیمومیت بریتانیا بر فلسطین پایان یافت. اسرائیلی ها، در سرزمین های فلسطینی حکومت مستقل کردند. اعراب نپذیرفتند و جنگی که بین اسرائیل و اعراب درگرفت اسرائیل پیروز شد. شورای امنیت سازمان ملل، بر اساس قطعنامه ۱۹۴ یک کمیسیون صلح به وجود آورد و اعلام کرد پناهندگانی که می خواهند به سرزمین خود بازگردند و در صلح زندگی کنند باید اجازه بازگشت پیدا کنند.

تا این که در سال ۱۹۴۷، چند سالی پس از پایان جنگ جهانی دوم، مساله استقرار دولت یهودی در سرزمین های فلسطینی مطرح شد. اعراب این امر را نپذیرفتند و خواهان استقلال فلسطین شدند. سرانجام به دنبال آن درگیری هایی که به جنگ اول اعراب و اسرائیل معروف شد، در سال ۱۹۴۸ حکومت اسرائیل رسماً اعلام موجودیت کرد.

بدین گونه حکومت اسرائیل، پایه های خود را با تهدید و ترور، جنگ و کشتار، و کوچ اجباری مردم فلسطین بنا نهاد. برای مثال، کشتار مردم «دیرباسین» در سال ۱۹۴۸ است که به عنوان یکی از فجیع ترین کشتارهای فلسطینیان توسط دولت اسرائیل در تاریخ ثبت شده است.

از همان آغاز تاسیس حکومت اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا به امروز، نسل کشی و تهاجم و ظلم و ستم آشکار و زنان این حکومت بر علیه مردم فلسطین ادامه داشته و در این فاصله، جامعه جهانی نیز شاهد مقاومت بی نظیر مردم فلسطین در برابر این همه وحشی گری دولت اسرائیل بوده است. در سال ۱۹۴۹ اسرائیل، ۷۷ درصد از سرزمین های فلسطینی را به اشغال خود درآورده بود.

سازمان الفتح به رهبری یاسر عرفات، در سال ۱۹۶۴ تشکیل شد و اولین عملیات مسلحانه الفتح به رهبری یاسر عرفات بر علیه دولت اشغالگر اسرائیل در اول ژانویه ۱۹۶۵ شروع شد و در نبرد الکرماه به پیروزی هایی دست یافت.

در سال ۱۹۶۷ جنگ ۶ روزه شروع شد. اسرائیل به مصر، سوریه، عراق و سپس اردن حمله کرد و بلندی های جولان، صحرای سینا، کرانه های غربی و اورشلیم را اشغال کرد. شش ماه بعد، شورای امنیت بر اساس قطعنامه ۲۴۲، اشغال این سرزمین ها را غیرقانونی اعلام کرد و از اسرائیل خواست که این نواحی را تخلیه کند.

در پی جنگ ۱۹۶۷، ملل متحد با قطعنامه های ۲۴۲ و ۲۳۸، بخش زیادی از سرزمین های فلسطینی که توسط دولت اسرائیل اشغال شده بود به عنوان خاک اسرائیل، به رسمیت شناخت.

دولت های عربی نیز نه تنها از سازمان های آزادی خواه و جنب فلسطینی به ویژه الفتح حمایت نکردند، بلکه در سرکوب آن ها نیز نقش داشتند. برای مثال، یکی دیگر از قتل عام فلسطینی ها توسط ارتش اردن در سپتامبر ۱۹۷۰ صورت گرفت که به سپتامبر سیاه معروف شد. حدود ۲۰ هزار زن و مرد فلسطینی قتل عام شدند و به دنبال آن سازمان های فلسطینی مجبور به ترک اردن و اقامت در مصر و لبنان و غیره گردیدند.

در ۱۹۷۲، مصر و سوریه به اسرائیل در سینا و بلندی های جولان حمله کرد. پس از ۶ روز، قطعنامه ۲۳۹ سازمان ملل، قطعنامه قبلی یعنی ۲۴۲ را مورد تأیید قرار داد و بر مذاکرات صلح تأکید کرد.

در سال ۱۹۷۴، مذاکرات سران عرب در رباط، جبهه آزادی بخش فلسطین را به عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت و اسرائیل موافقت کرد از مناطق سوریه عقب نشینی کند، اما بلندی های جولان عقب نشینی نکرد.

در سال ۱۹۷۸ در کمپ دیوید، سران مصر و اسرائیل ملاقات کردند. از اسرائیل خواسته شد که مواد اعلامیه ۲۴۲ سازمان ملل را به مرحله اجرا بگذارد و از کرانه های غربی رود اردن و نوار غزه عقب نشینی کند. هم چنین خودمختاری فلسطینی ها را به رسمیت بشناسد.

در سال ۱۹۷۹، پیمان صلح بین مصر و اسرائیل منعقد گردید. اسرائیل از صحرای سینا عقب نشینی کرد، روابط دیپلماتیک بین مصر و اسرائیل برقرار شد و اسرائیل توانست به کانال سوئز دسترسی داشته باشد.

ارتش اسرائیل در اوائل دهه ۱۹۸۰، لبنان را اشغال کرد و با همکاری فالانزهای لبنانی در سپتامبر ۱۹۸۲، دو اردوگاه صبرا و شتیلا را به مدت سه روز محاصره کرد و آن چنان یکنان این اردوگاه ها را قتل عام کردند که حتا دادگاهی در اسرائیل، در فوریه ۱۹۸۳ آرل شارون وزیر دفاع اسرائیل را عامل کشتار جنایتکارانه معرفی کرد.

در سال ۱۹۸۱، اسرائیل به احداث شهرک های جدید و اسکان دادن اسرائیلی ها در مناطق اشغالی ادامه داد و انور سادات نیز در همین سال ترور شد.

بعدها عرفات، به درخواست جوامع بین المللی مبنی بر قطع جنگ با اسرائیل جواب مثبت داد و بر سر میز مذاکره نشست. بنابراین، مانع واقعی صلح بین فلسطین و اسرائیل، دولت اسرائیل از یک سو و گروه های اسلامی حماس و جهاد اسلامی از سوی دیگر بوده اند.

در سپتامبر سال ۱۹۹۲، رایین نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات، رهبر فلسطینیان در کاخ سفید دیدار کردند. در سال ۱۹۹۲، اسرائیل و فلسطین در اسلو قرارداد صلحی با به رسمیت شناختن هر دو طرف و یک برنامه ۵ ساله برای حل اختلافات موجود امضاء کردند. گروه های اسلامی فلسطینی با این قرارداد به مخالفت برخاستند.

در سال ۱۹۹۵، اسحاق رایین نخست وزیر اسرائیل، به «یهودی» افراطی ترور شد. در ۱۹۹۶، یاسر عرفات به عنوان پزیدنت انتخاب شد.

در سال ۲۰۰۱، آرل شارون به عنوان نخست وزیر انتخاب گردید. او مخالف قرارداد اسلو بود و اعلام کرد هدفش حفظ امنیت اسرائیل است. فرودگاه غزه در این زمان توسط اسرائیل ویران شد.

در سال ۲۰۰۲، در یک کنفرانس عربی، پیشنهاد عربستان برای به اجرا درآوردن قطعنامه های ۲۴۲ و ۲۳۸ سازمان ملل به تصویب رسید. شارون، عرفات را در محل کارش در محاصره قرار داد. اسرائیل شروع به ساختن دیوار در کرانه های غربی نمود.

در سال ۲۰۰۲، گروه چهارگانه آمریکا، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه بر سر یک برنامه صلح به نام «نقشه راه صلح» توافق کردند. فلسطینی ها همکاری می کنند اما، حکومت اسرائیل، با آن مخالفت می کند.

در سال ۲۰۰۴، یاسر عرفات درگذشت و سال بعد محمود عباس به جای عرفات انتخاب شد. در ۲۰۰۶، شارون دچار سکنه مغزی شد.

در انتخابات فلسطین، حکومت جدیدی که اکثریت اعضای آن از گروه اسلامی حماس بودند انتخاب شدند. اسرائیل و آمریکا، این حکومت را تحت فشار قرار دادند. در مارس ۲۰۰۶، اولمر نخست وزیر اسرائیل شد و اعلام کرد که دیوار ساخته شده مرز جدید اسرائیل و کرانه غربی است. درگیری ها ادامه پیدا کرد.

در نوامبر ۲۰۰۷ نشست آنابولیس، برگزار گردید و در این نشست تاکید شد تا پایان سال ۲۰۰۸ صلح پایداری را به امضاء دو دولت اسرائیل و فلسطین برساند.

پس از مذاکرات مقامات اسرائیلی و فلسطینی، مناطقی که به «حاکمیت» فلسطینی ها واگذار گردید هرگز کلیه نیروهای اسرائیلی از آن جاها خارج نشدند و در همه جا حضور دارند. برای مثال، فقط در ساحل غربی ۷۰۰ راه بندان نظامی (یا چک پوینت) وجود دارد. رییس تشکیلات خودمختار فلسطین هم بدون اجازه اسرائیل نمی تواند اقدامی انجام دهد. مساله آزادی زندانیان فلسطینی از زندان های اسرائیل، بازگشت آوارگان به خانه هایشان و غیره هنوز نتایج جدی در برداشته است. زندان های اسرائیلی پر از مردم فلسطین، حتا کودکان است.

از سال ۱۹۴۸ به این سو، حکومت اسرائیل، نه تنها به هیچ کدام از قطعنامه ها و هشدارهای بین المللی توجه نکرده است، در بسیاری موارد نیز قطعنامه ها نه در جهت منافع بر حق مردم فلسطین، بلکه به نفع حکومت سرکوبگر اسرائیل تمام شده است. چرا که حکومت اسرائیل، دایما از حمایت های مادی و معنوی و نظامی ابرقدرت ها و در راس همه دولت آمریکا برخوردار بوده است. دولت آمریکا، اسرائیل را حیاط خلوت خود قلمداد می کند و از آن جا به عنوان پایگاهی برای فشار آوردن به کل کشورهای منطقه بهره برداری می کند.

محاصره طولانی مدت مقر یاسر عرفات در رام الله و طرح کشیدن دیواری به دور مناطق فلسطین، دیواری که با جدار های بتونی ۸ متری و برج های دیده بانی در فاصله هر ۲۰۰ متر و خندق هایی با عمق ۲ متر که محلات فلسطین را دور می زند و برای ساختمان هر کیلومتر آن یک میلیون دلار خرج شده است، همگی آشکارا نشان می دهد که حق با مردم آزادی خواه فلسطین است و مبارزه آن ها برای به دست گرفتن سرنوشت خویش، مبارزه ای عادلانه و بر حق است.

محاصره و بسته بودن دو مرز سرزمین های فلسطینی، با اسرائیل و با مصر، باز نشده است. متأسفانه جهان متمدن، هم چنان نظاره گر وحشی گری های حکومت اسرائیل و جان باختن مردم فلسطین است؟!

غزه، تحت نظارت حماس، از سال ۲۰۰۶ در محاصره اسرائیل قرار گرفته است؛ بخش اعظم آب و برق آن نیز قطع شده است. نیروهای اسرائیلی از رسیدن سوخت، خواروبار، دارو و دیگر مایحتاج ضروری مردم غزه، جلوگیری می کنند. بر اساس گزارش های رسمی، از ۲۹۰۰ موسسه تولیدی فعال در نوار غزه، ۲۸۰۰ واحد آن بعد از پیمان آتش بس میان اسرائیل و حماس در ماه مه سال گذشته، به خاطر کمبود سوخت و انرژی تعطیل شده و فقر، بی کاری و گرسنگی کمرشکن شده است. علاوه بر این همه درد و رنج، مردم غزه به ویژه در این مدت، همواره در اثر حملات ویرانگر جنکنده ها و هلی کوپترها و تانک های اسرائیلی قربانیان زیادی داده اند. بنابراین، غزه در حال مرگ بود که اسرائیل آخرین حملات ویرانگر خود را بر علیه این مردم رنج دیده و گرسنه آغاز کرد.

بدین ترتیب، همه این وقایع تاریخی نشان می دهند که حکومت اسرائیل، با بهره گیری از برتری سیاسی و نظامی و کمک های بی دریغ آمریکا، به سلطه خود در سرزمین های فلسطینی ادامه می دهد و حاضر به عقب نشینی نمی باشد. این حکومت، هیچ کدام از قطعنامه های سازمان ملل را نیز عملی نکرده است. عملیات تروریستی حماس و دیگر گروه های اسلامی فلسطینی نیز دستاویزی در دست حکومت اسرائیل است که هم چنان به سلطه و سرکوب و جنگ خود در فلسطین ادامه می دهد.

در واقع بیش از نیم قرن است که مردم فلسطین، در زیر ترور و وحشت، جنگ و کشتار، و آوارگی در اردوگاه ها در داخل کشورشان و خارج از آن، روزگاری پر از دلهره و نگرانی و فقر و محرومیت گذرانده اند. از این رو، حکومت اسرائیل، عامل اصلی مصائب و بدبختی های مردم فلسطین است.

ارتش اسرائیل، منطقه نوار غزه را که حدود یک میلیون و نیم جمعیت دارد به سه بخش تقسیم کرده و راه های ارتباطی این مناطق را قطع کرده است. حتا بسیاری از دانش آموزان از امکان رفتن به مدارس خود محرومند. در این منطقه فقط چند هزار «یهودی» در شهرک هایی که اسرائیل بر پا کرده است زندگی می کنند که از همه امکانات رفاهی و حمایتی حکومت اسرائیل برخوردارند.

در چنین شرایطی، دولت اسرائیل می کوشد توجه افکار عمومی را به مساله موشک اندازی فلسطینی ها جلب کند، و در این جهت تبلیغات گسترده ای را آغاز کرده است تا از این طریق بر ابعاد جنایات خود سربوش بگذارد.

در گزارش ها آمده است که یکی از سخنگویان ارتش اسرائیل، آویتال لیبوویچ، آن قدر با تلویزیون های متعدد غربی مصاحبه کرده است که به قول خبرنگاری فرانسه، به «ستاره رسانه های جهانی» تبدیل شده است. سفیران اسرائیل نیز در کشورهای مختلف می کوشند با شرکت در برنامه های رادیویی و تلویزیونی، و مصاحبه با روزنامه های معتبر، عملیات نظامی را در غزه توجیه کنند.

وزارت دفاع اسرائیل، چند ویدئو از صحنه های ضربه زدن یا شلیک به تاسیسات حماس را روی سایت یوتیوب به نمایش گذاشته و دولت نیز می کوشد میزگردها و جلسات بحثی را روی سایت معروف «فیس بوک» ترتیب دهد. شیمون پرز، رسماً گفته است: «ما کاری به روابط عمومی نداریم و فقط می خواهیم با تروریسم مبارزه کنیم.»

در چنین شرایطی، روشن است که تروریسم دولتی اسرائیل با تروریسم حماس، قابل مقایسه نیست. یعنی اگر حماس موشکی را به سوی اسرائیل پرتاب می کند در واقع بهانه به دست حکومت آدم کش اسرائیل می دهد که بلافاصله هلیکوپترها و هواپیماهای جنگی اش بمب ها و توپ های خود را بر سر مردم فلسطین بریزند و مردم را قتل عام کنند. بنابراین، کسانی که این جنگ را دو طرفه قلمداد می کنند و با این که به پرتاب چند موشک حماس معترضند و بر روی جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین چشم می بندند و با این که از موضع ارتجاعی همانند احمدی نژاد می خواهند اسرائیل را از روی نقشه جهان بردارند، همگی مبلغ غیرانسانی ترین سیاست ها هستند. یعنی هر کسی یک طرف این جنگ را به نفع طرف مقابل بگیرد به کشتار چشم بسته است. باید صریحاً مخالف این جنگ بود و خواهان قطع فوری آن و خروج نیروهای اشغالگر فلسطینی از کلیه

سرزمین های فلسطینی شد تا مردم رنج دیده و ستم دیده فلسطین بتوانند در آرامش و بدون فضای جنگی اسرائیل، سرنوشت خویش را به دست خودشان رقم بزنند و دولت مستقل خود و یا دولت مشترک با مردم اسرائیل را تشکیل دهند.

هم زمان با ادامه حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه، صدها هزار نفر از مردم کشورهای مختلف جهان دست به تظاهرات زده و حملات اسرائیل را محکوم کردند.

تظاهرکنندگان در کشورهای آمریکا، انگلیس، بلژیک، سوئد، ترکیه، دانمارک، آلمان، لهستان، فیلیپین، یونان، سوئد، ترکیه، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، لبنان و ... با سردادن شعارهایی علیه سرکوبگری ها و جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین، خواستار توقف فوری حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه و برقراری آتش بس شدند. در خود اسرائیل نیز کمونیست ها و مردم آزادی خواه، بر علیه دولت اسرائیل دست به تظاهرات زده و خواهان قطع فوری جنگ و خروج نیروهای اسرائیلی از سرزمین های فلسطینی و پایان دادن به محاصره غزه شدند.

بی شک روزی فراخواهد رسید که مردم آزادی خواه اسرائیل و فلسطین در جوار همسایگی و همبستگی با همدیگر در صلح و صفا و آرامش زندگی کنند و سرنوشت خویش را نیز به دست خویش رقم بزنند؛ بدون این که به جانیان و مجرمان جنگی حکومت اسرائیل و حماس و حامیان بین المللی آن ها، اجازه انتقام جویی بدهند. در آن روزهاست که باراک، اولمرت، لیونی و...، خالد مشعل، حسن نصرالله و...، خامنه ای، احمدی نژاد، رفسنجانی و...، و تونی بلر، بوش و...، هم چون دیگر جنایت کاران جنگی، در یک دادگاه بین المللی عادلانه محاکمه شوند.

بی شک جهانی با قدرت دستان مند به هم پیوسته کارگران و مردم حق طلب ساخته خواهد شد که در آن جهان، جان انسان با ارزش تر و بالاتر از هر منفعت و مصلحت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی خواهد بود.

هجدهم دی ۱۳۸۷ - هفتم ژانویه ۲۰۰۹